**٢٦ - ثبات و استقامت با معاندان و مغرضان و معارضان اعتقادی [[1]](#footnote-1)**

قوله الابهی : ان یا هادی ان استمع نداء الله من سدرة البهاء انه لا اله الّا انا المهیمن العزیز المختار اوصیک یا اسمی بما وصیّ اللّه فی الزّبر و الالواح ان استقم علی حبّ مولاک علی شأنٍ لو تسمع عمّن علی الارض کلِّها ما یکون مخالفاً لامر ربک تکون معرضاً عنه و مقبلاً الی اللّه منزل الآیات انّ السّفیه قد اخده الغرور علی شأن یتکلّمُ جهرةً بما یلعنُه الاشیاء کلها تاللّه به حزن قلبی و قلوب الّذین اقبلوا الی الوجه فی هذه الایّام الّتی فیها زلّت الاقدام لا تُدارِ معه فاَعرض عنه بسلطانٍ من لدن ربک العزیز الجبّار کن نارا لاعداء الله و نوراً الاحبائی کذلک فصّل فی الکتاب فصل الخطاب فامش علی اثر ربک ولا تخف من الذین یتکلمون باهوائهم الا انّهم من الذباب ان احرقْ بنار الکلمة کبدَ کلّ مشرکٍ مرتابٍ کُن مستقیماً علی شأنٍ لا یحزنک قولُ الّذین‌هم اَعرضوا عن اللّه ربِّ الارباب لا تحزنْ انّک معی فی سرادق عظمتی ان اکفِ باللّه ثمّ انقطعْ عن کلّ مشرکٍ مکّارٍ و لا تکن معیناً لمن انکرَ الوجهَ ولو ینظر کذلک نزلنا الامر من لدن ربّک العزیز الوهّاب اعانت اهل طغیان بهیچ وجه جائز نه چه که ضرّ بر اصل شجر وارد میشود در جمیع کتب این حکم نازل در فرقان میفرماید لا ترکنوا الی الّذین ظلموا انشاء الله باید بکمال قدرت به نصرت حق مشغول باشید منقطعا عن کل ذی غلّ مبین .

 و در لوح خطاب به اشرف قوله الابلغ الاحلی : انتم یا احباء الله کونوا سببَ الفضلِ لمن آمنَ باللّه و آیاتِه و عذابه المحتوم لمن کفر باللّه و امره و کان من المشرکین .

 و در لوح خطاب به نصیر قوله الابدع الامنع : ان یا نصیر تجنّب عن مثل هؤلآء ثم فرّ عنهم الی ظلّ عصمة ربّک و کن فی حفظ عظیم ثمّ اعلم بانّ نَفَسَ الّذی یخرج من هؤلآء انّه یؤثّر کما یؤثّر نفس الثّعبان ان انت من العارفین کذلک اَلهمناک و علّمناک بما هو المستورُ عنک لتطّلع بمراد الله و تکون علی بصیرة منه طهرّ یدک عن التّشبّث الی غیر اللّه و الاشارة الی دونه .

 و در لوح خطاب به احمد قوله الاعلی : ای اشجار رضوان قدس عنایت من خود را از سموم انفس خبیثه و اریاح عقیمه که معاشرت مشرکین و غافلین است حفظ نمائید .

 و قوله الارفع الاسنی : و کن کشعلة النّار لاعدائی و کوثر البقآء لاحبّائی و لا تکن من الممترین.

و قوله الاعلی : یا احبّائی ثم یا اصفیائی . . . اِن وجدتم من احدٍ روائحَ الاعراض فاَعرضوا عنه ثم اجتنبوا .

 و در اثری بعنوان ( خ آدم ) است : اگر نفوس غافله از کلمات نصحیه متنبه شدند فنعم المراد والّا احتراز از چنین نفوس لازم و واجب در این ظهور ابداً اعمال شنیعه و شئونات نفسیه مقبول نبوده و نخواهد بود البته شنیده‌اید که بعضی از اهل بیان و رؤسای کاذبه ایشان چه مقدار در بحر هوی مستغرق بودند و باعمال شنیعه متمسّک و عامل ولکن درین ظهور اعظم ابدًا مدارا نشده کلّ را تصریحا نهی فرموده طوبی لمن عمل بما اُمر من لدی الحق و اجتنب عن الخلق فیماهم یعملون .

 و قوله : بر جمیع احباء الله لازم که از هر نفسی که رائحۀ بغضاء از جمال عزّ ابهی اداراک نمایند ازو احتراز جویند اگر چه بکلّ آیات ناطق باشد و به کلّ کتب تمسّک جوید . . . پس در کمال حفظ خود را حفظ نمائید که مبادا بدام تزویر و حیله گرفتار آئید .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز :

**هو الله**

ای بندۀ حق راستی و دوستی و صلح و آشتی با جمیع عالمیان از مقتضای حق پرستی است درین دور ابهی الحمد للّه ضدّیت و قساوت و عداوت و مخالفت و عصبیت جاهلیت و معاندت دینیه و معارضات مذهبیه و جور وجفا بکلی مرتفغ گشته باید با جمیع عالمیان بنهایت روح و ریحان معامله نمود مگر منافقان از منافق احتراز و اجتناب لازم زیرا سبب خمودت و جمودت و کسالت و غفلت و برودت گردند نفسشان مثل سرمای زمهریر است هر چند انسان در نهایت صحت و تندرستی باشد از برد شدید کسالت و ارتعاش و زکام حاصل گردد این است که نفوس طیّبه از روایح کریهه مشمئز گردند لهذا در آیات الهیه الفت با کافّۀ ملل و همچنین احتراز از اهل نفاق و خلل نازل گشته و علت التّحیّة و الثّناء . ع ع

 و قوله العزیز :

**هو الله**

ای احبای الهی اساس ملکوت الهی بر عدل و انصاف و مروت و مهربانی بهر نفسی است پس بجان و دل باید بکوشید تا به عالم انسانی من دون استثناء محبت و مهربانی نمائید مگر نفوسی که غرض و مرضی دارند با شخص ظالم و یا خائن و یا سارق نمیشود مهربانی نمود زیرا مهربانی سبب طغیان او میگردد و نه انتباه او کاذب را آنچه ملاطفت کنی بر دروغ می‌افزاید گمان میکند نمیدانی و حال آنکه میدانی ولی رأفت کبری مانع از اظهار است . . . مگر حیوانات موذیه را مثل گرگ خونخوار و مثل مار گزنده و سائر حیوانات موذیه چه که رحم باینها ظلم به انسان و حیوانات دیگراست مثلا اگر گرگی را رأفت و مهربانی نمائی این ظلم به گوسفند است یک گله گوسفند را از میان بردارد و . . . . لهذا باید چارۀ آن نمود .

 و قوله العزیز : عبدالبهاء بی‌نهایت مهربان است ولی مرض مرض جذام است چه کند . . . باید نفوس مبارکه را از روایح کریهه و امراض مهلکه روحانی محافظت و صیانت کرد والّا نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کل هلاک میشوند و در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود کم کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع گردید .

 و قوله العزیز : اگر چنانچه بین دوستان معاذ الله اختلافی جزئی و کلّی در امری حاصل شود کل باید بکلی سکوت نمایند و یا محبت کنند و سؤال نمایند تا جواب ارسال گردد باری هر نفسی سبب اختلاف بین دوستان شود باید ازو احتراز نمایند و اجتناب کنند .

 و قوله الجلیل : و هریک از یاران چون باهل غرور مأنوس گردد باید بنهایت مهربانی و سرور سبب تنبّه او شود و علت تذکر او گردد اجتناب بر دو قسم است یک قسم حفظاً لامر الله است این باید بروح و ریحان باشد نه بغلظت و شدت و قسمی دیگر از روی غلظت و آن مقبول نه .

 و در خطابی ازآن حضرت قوله الحنون : نظر به نقصان خلق نکنید بدیدۀ کمال نظر نمائید هر چند ضعیف نادان‌اند و سست در عهد و پیمان اما شما نظر به بزرگواری کنید و خوش رفتاری نمائید عزت و احترام دارید و رعایت و خدمت کنید خود را خادم دانید جمیع خلق را مخدوم شمرید خود را ناقص گوئید و عالمیان را کامل بینید یعنی نوعی رفتا کنید که شخص ناقص احترام انسان کاملی نماید و حقیری در مقابل کبیری رفتار کند این است وصایای جمال مبارک و نصایح اسم اعظم روحی لعباده الفداء

1. در قرآن است قوله تعالی : یا ایُها الّذین آمنوا لا تتّخِذوا عَدُوّی و عُدوَّکم اولیآءَ تُلقونَ الیهم بالمودّةِ و قد کفرُوا بما جآءَکم من الحق یُخرجونَ الرّسولَ و ایّاکُم اَنْ تؤمنوا باللّه ربِّکم اِنْ کنتم خرجْتُم جهاداً فی سبیلی و ابتغآءَ مرضاتی تُسرّون اِلیهم بالمودّة و اَنَا اعلمُ بما اخفیتُم و ما اعلنتُم و مَن یفعلْه منکُم فقد ضلَّ سَوآءَ السّبیل اِنْ یَثْقَفوکم یکونوا لکم اعداءً و یبسُطوا الیکم ایدیهم و السنتَهم بالسّوٓءِ و ودّوا لو تکفرون . . . عسی اللّهُ اَن یجعلَ بینَکم و بینَ الّذین عادیتُم منهم مودّةً واللّهُ قدیرٌ واللّهُ غفورٌ رحیمٌ لا یَنها کم اللّهُ عنِ الّذینَ لَمْ یُقاتَلوکم فِی الدّین و لَمْ یُخرجوکم من دیارِکم اَنْ تَبرَّوهم و تُقسطوا اِلیهم اِنّ اللّه یُحبُّ المُقسطینَ انّما ینهیکم اللّهُ عنِ الّذینَ قاتَلوکم فی الدّین و اَخر جوکم من دیارِ کم و ظاهَروا علی اِخراجکم اَنْ تَوَلّوهم و مَنْ یتولَّهم فاوُلٓئک‌هم الظّالمون . [↑](#footnote-ref-1)